

مقاله‌های استاد هوشنگ اعلم در دانشنامه جهان اسلام و در دانشنامه‌های دیگر در قلمرو تاریخ طبیعی قرار می‌گیرد، قلمروی که به نظر عده‌ای در حوزه تخصصی او، به معنای اخص کلمه، نیست. طرفداران این نظر احتمالاً فقط کسی را متخصص می‌دانند که همه تحصیلات علمی و همه تجربیات عملی‌اش منحصر به یک زمینه باشد. اما شواهد متقن بیشمار از تاریخ علم بشر نشان می‌دهد که دستاوردهای بزرگ علمی فراوانی در همه شاخه‌ها از آن عالمانی است که از یک حوزه علمی به حوزه دیگری هجرت کرده‌اند. کشفیات بزرگ در نجوم، از آن منجمانی است که پیشتر ریاضیدان بوده‌اند، یا کشفیات شیمیدانانی که سراغ زیست‌شناسی رفته‌اند، اقتصاددانانی که به تاریخ پرداخته‌اند، زیست‌شناسانی که در پی جامعه‌شناسی رفته‌اند، فیزیکدانانی که به قلمرو فلسفه وارد شده‌اند. تاریخ علم، لباب از تجربه‌های گوناگون عالمانی است که چون از منظر دیگری یا به کمک روش متفاوتی به موضوعی می‌نگریسته‌اند، به برداشتهای دیگر یا به دریافته‌ها و یافته‌های دیگری دست یازیده‌اند. مصداق‌هایی از کوچ و هجرت علمی یا تغییر رویکرد، در جامعه خودمان نیز فراوان است. اگر علم زیان‌شناسی در ایران با بنیهای چشمگیر و سرعتی چشمگیرتر آغاز شد، برای این است که کسی پایه‌های آن را گذاشت که سرمایه‌های هنگفتی از عرصه ادب و فرهنگ با خود به همراه آورده بود. علوم جامعه‌شناسی و روانشناسی در ایران به کوشش مردانی پایه‌ریزی شد که مایه‌های علمی خود را از حوزه‌های

دیگر دانش و معرفت کسب کرده بودند. تحوّل عظیمی که غلامحسین مصاحب در دانشنامه‌نگاری ایران پدید آورد، چیزی جز ثمره هجرت علمی او و رهاورد نظر و منظر و روش دیگری نبود که از حوزه علوم دقیق به قلمرو دانشنامه‌نگاری آورده بود. هوشنگ اعلم هم که از اوایل دهه ۱۳۶۰ نخست به تألیف مقالات دانشنامه‌ای در حوزه مفردات طبی و سپس به تاریخ گیا و زیبا و بخشهایی از قلمرو تاریخ طبیعی روی آورد، در سنینی بود که می‌توانست انبوهی از دانسته‌ها و تجربه‌های علمی را با آزموده روشها و کاربرد دقتهای خاص درآمیزد و آمیزه اینها را در تحریر مقاله‌های دانشنامه‌ای به کارگیرد. و او چنین کرد و به سهم خود تحوّل در مقاله‌نویسی حوزه تاریخ طبیعی به وجود آورد که به ویژگیهایی از آن اجمالاً اشاره می‌شود.

هوشنگ اعلم اصلهای بنیادی را در نگارش مقاله‌های دانشنامه‌ای، یعنی سه اصل بنیادی استخراج اطلاعات موثقی از منابع مطمئن و دست اول و ارائه آنها را در ساختار متناسب با چیره‌دستی تمام مراعات کرده است. نقادی منابع و تشخیص و تعیین امتهات آنها، هم به قصد اخذ کردن اطلاعات صحیح و هم به قصد پیگیری تحوّل مفهوم، با درجه‌ای از وسواس انجام می‌گیرد که جای هیچ‌گونه تردیدی در تسلط وی به مآخذشناسی و کتابشناسی، تسلط کافی به چند زبان خارجی و روشهای دست یافتن به منابع معتبر اصیل باقی نمی‌گذارد. در واقع در همه مقالاتی که برای دانشنامه نوشته است، نه منبع با اهمیتی از نظر دور مانده و نه از منبع کم اهمیتی استفاده شده است؛ و به همین دلیل بنیان مقاله‌های او از حیث کسب اطلاعات صحیح، به غایت استوار است. اطلاعات موثقی که استخراج می‌کند، از معیارهای ربط، تناسب، پوشش موضوعی، با اولویت اطلاعات، و نظایر آن بی‌کم و کاست بهره‌مند است. ساختاری که اطلاعات سرند شده از منابع نقادی شده را در آن جای می‌دهد، از حیث ارتباط جزء و کل، جزء با جزء، اجزاء با کل، جایگاه هر جزء در کل، تناسب بندها و در مجموع هدایت کردن خواننده از مقدمات مقاله و از خلال تفصیل بحث به نتایج، به غایت سنجیده است. تقطیع بندها در هر مقاله با دقتی انجام می‌گیرد که با تفکیک موضوع انطباق کامل دارد، به گونه‌ای که نقشه تقسیم‌بندی موضوعی را در هر مقاله می‌توان بر پایه تقسیم و توالی بندها ترسیم کرد. تناسب ساختار مقاله با موضوع مقاله، در هیچ موردی مصنوعی، تصنعی یا تحمیلی نیست، بلکه به اقتضای سرشت مقاله و تحوّل طبیعی خود مفهوم است، و این تناسب چنان آشکار است که جایی برای تردید در تسلط نویسنده به زمینه و سیر تحوّل بحث باقی نمی‌گذارد.

از ویژگیهای مشترک اجزای مقاله در ساختار کل مقاله‌ها می‌توان از این موارد چشمگیر یاد کرد: دقت مفرط در جزئیات مربوط، استفاده ماهرانه از نشانه‌های قراردادی عمومی و حوزه‌های تخصصی، اختصارات و قراردادهای رایج مقبول و بین‌المللی دانشنامه‌نگاری، کاربرد بجا و



● عبدالحسین آذرنگ

بموقع از نشانه‌ها و توضیحات ارجاعی هم به قصد مراعات اقتصاد کلام، اختصار بحث، و هم هدایت کردن خواننده به اطلاعات و منابع دیگر، چه درون خود مقاله، چه داخل دانشنامه و چه به خارج از دانشنامه؛ استفاده صحیح از عنوان گذاری و قواعد تبویب و شماره گذاری زیر عنوانها، استفاده هنرمندانه از نقل اقوال، چه به عبارت و چه به مضمون، کاربرد ارجاعهای کتابشناختی به دقیق‌ترین شکل آن و موارد دیگر نظیر اینها.

از شاخصهای مهم در ارزیابی مقاله، معرّف اول، تناسب آن یا کُل ساختار و محتوای مقاله، و تناسب آن با منابع مقاله است، چندان که می‌توان گفت هر مقاله دانشنامه‌ای چیزی جز اثبات مدّعی اول نیست و مدّعی اول همان معرّف اول است، و گاه تناسب یا تناظر میان منابع مقاله و اجزای معرّف اول به تنهایی برای داوری درباره مقاله کافی است. در مقاله‌های هوشنگ اعلم معرّف اول با دقت تمام و توجه همه جانبه به ارکان انتخاب می‌شود و از گویاترین، علمی‌ترین و دقیقترین معرّفهاست.

از ویژگیهای چشمگیر دیگر مقاله‌های او باید از اینها یاد کرد: بحثهای دقیق لغوی، ریشه‌شناختی و زبانشناختی، کاربرد گسترده اصطلاحات فنی، استخراج اصطلاحات و به ویژه اصطلاحات بدیع از متون و احیای مواردی از آنها و کمک به غنای بیشتر واژگانی زبان فارسی، اعتنا به جنبه‌های فرهنگی و به طور کلی همه جنبه‌های لازم در گستره بحثهای دانشنامه‌ای و از



● صحنه‌ای از مراسم تجلیل از استاد هوشنگ اعلم -

جمله به جنبه‌های علمی به معنای اعم و اخص کلمه، به جنبه‌های ادبی، فرهنگ عامه، نکات جغرافیایی، تاریخی و قس علی ذلک. در مجموع از نکته‌های بسیاری می‌توان سخن گفت که مؤید توجه نویسنده به دقایق ریز و جزئیاتی است که درباره هر کدام به قدر کفایت تحقیق، تفحص، تفکر و تأمل شده است. کمتر دانشنامه‌نگاری چون او می‌توان یافت که دانش و احاطه علمی را با رهیافت فرهنگی، رویکرد روشی، دقت ذهنی و وسوسه‌های فنی همراه کرده باشد. و همین آموزه شاید منحصر به فرد است که سطح و کیفیت مقاله‌های دانشنامه‌ای وی را به مرتبه‌ای اعتلا داده است که با بهترین مقاله‌های حوزه تاریخ طبیعی در دانشنامه‌های جهانی برابری می‌کند.

هوشنگ اعلم با تلاش فردی، تربیت نفس و ریاضت علمی، جایگاهی را از آن خود کرده است که بدون تردید شایسته افتخار ملی و تحسین عمومی است. خطاب سخن بنده در اینجا خود ایشان نیست. اگر در جمع حضور نمی‌داشت، چند نکته‌ای را صریح‌تر و آسوده‌تر می‌گفتم. خطاب بنده به جامعه علمی و فرهنگی کشور است. مردی که از او سخن می‌گوییم به همت فردی، و به رغم انواع موارثها و مضیقه‌ها و همه مانعهای بد و منفی و بازدارنده، خود را از مهلکه همه ابتدالها و فرومایگیها رهانیده است. ریاضت و تحمل و مدارا را در شکوفایی علمی به ثمر نشانده است و سطح دانشنامه‌نگاری را در ایران به مرتبه سزاوار آن در کنار سایر دانشنامه‌نگاران

جهان اعتلا بخشیده است. چنین دستاوردی نه تنها شایسته سپاس در عرصه ملی است و حق آن باید به متناسبترین صورت تقدیر شود، بلکه صاحب چنین دستاوردی را باید به عنوان مثالی از مثل اعلیٰ به جوانان این کشور معرفی کرد. سرمشق کسی که بخواد با خاصیت خورشید خود را به همت و غیرت یافت، کوشید، پیروز و شکستورده لاف زد، به نام صفت و خردورسی گرفتار نشد، در مهلکه غرور در نیافتاد، خدا عز و بگاه داشت و روشه متین اعتدال از تصافت علمی را از دست نداد، همی از آموختن بیاسوده آستان طلب را تا افلاک پوکشید و لگام طمع را در خاک مهار کرد، گمنام زیست و از هیاهو و غوغا گرفت و تقیین مهار شده را به خدمت آرمان و هدفین گرفت که حاصل آن اینک پیش روی ماست: افتخاری برای عرصه علم و فرهنگ کشور ما، سیاست فرهنگی ما باید دست یافتن به چنین افتخاری را به عنوان یکی از سرمشقهای فرهنگی به نسل نوین و نسلهای آینده کشور ما منتقل کند. سهم هوشنگ اعلم در ارتقای سنت دانشنامه نگاری و عرصه داشت آثار مرجع معتبر به جامعه، در شمار آبخاهاست علمی و فرهنگی در مقیاس ملی است. یکی از مهمترین جنبه‌ها در سیاست فرهنگی صحیح، تشخیص تعیین و ایجاد گوه‌های شخصیتی برای نسلهای دیگر جامعه و پاسداشت ارزشهای ویژه است. تدوین و انتشار کتابهای مرجع قابل اعتماد از مهمترین فعالیت‌های زیرساختی برای فعالیت‌های علمی - فرهنگی است. در میان طیف متنوع کتابهای مرجع، دانشنامه‌ها جایگاه با اهمیت تری دارد و در صحنه دانشنامه نگاری در کشور ما، کسانی چون غلامحسین مصاحب و هوشنگ اعلم دگرسازه ارزشگذار و تعالی بخش‌اند. تلاش بنی مانند و کم مانند اینهاست که الگوی نو می آفریند و سرمشق جدید می‌گذارد. سزاست که این الگو و سرمشق در شمار الگوهای ملی و فرهنگی ما قرار گیرد.